



مرکز تحقیقات استراتژیک
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۳۰۱

تیر ۱۳۹۶



حامد عسگری کرمانی
مرکز تحقیقات استراتژیک

فرضیه‌ای در باب تغییر مسیر سیاست خارجی پاکستان

مقدمه

اخیراً دو اتفاق مهم مؤثر بر روابط پاکستان با ایران رخ داده است که می‌توان آن‌ها را در امتداد و تا حدی در واکنش به مسائل گذشته میان دو کشور تفسیر کرد و یا اینکه سرآغاز یک چرخش جدید در سیاست خارجی این کشور دانست. ابتدا روز چهارشنبه ۲۱ ژوئن، ارتش پاکستان تأیید کرد که یک «پهباد ایران» را در «عمق خاک بلوچستان [پاکستان]» مورد هدف قرار داده و سرنگون کرده است. سپس دو روز پیش بود که «روابط عمومی بین سرویس» ارتش پاکستان، ISPR، ویدئوی اعتراف^۱ جدیدی را از «کالیوشان یاداو»^۲، فردی که سال گذشته به اتهام جاسوسی

برای هند در بلوچستان دستگیر شد، به نمایش گذاشت.

دقت نظر چندان بالایی نیاز نیست که دریابیم ویدئوی اعتراف کالیوشان «یاداو»، احتمالاً به صورت اختصاصی با نشانه‌گیری به سمت ایران پخش شده است. در حقیقت «یاداو» تقریباً به همان اندازه که نمادی از ادعای پاکستان به اجرای عملیات خراب‌کاری در بلوچستان با تحریک هند است، نشانه‌ای از همکاری ایران و هند بر علیه پاکستان هم تفسیر شده است. «یاداو» به همراه ویزای ایرانی و در مرز ایران و پاکستان، در حالی که قصد ورود به پاکستان را داشت دستگیر شده است. همچنین او پیش از آن در قالب کار تجاری چند سال به همراه خانواده خود در چابهار سکونت داشته است و به ادعای منابع پاکستانی، عملیات خراب‌کاری در منطقه بلوچستان پاکستان را از آن‌جا مدیریت می‌کرد. در ویدئوی دومی که چند روز پیش، از او پخش شد، وی سه بار به ایران اشاره می‌کند؛ یکبار اینکه ویزای ایران را داشته است؛ دوم به اقامت خود در چابهار اشاره می‌کند و سوم، ادعا می‌کند کنسولگری هند در

۱. ویدئوی اول اعتراف او سال گذشته منتشر شد و ویدئوی دوم نیز اخیراً توسط ارتش پاکستان منتشر شده است. در هر دو ویدئو وی مدعی می‌شود مأمور مخفی سرویس اطلاعات هند RAW است و قصد داشته است از مجرای ایران با گروه‌های معارض در بلوچستان پاکستان ارتباط گرفته و به آن‌ها کمک کند عملیات تروریستی در این منطقه انجام دهند. این ویدئو این پیوند قابل مشاهده است:

<https://www.youtube.com/watch?v=nhPOYixTZi8>
2. Kulbhusan Yadav

۲ فرضیه‌ای در باب تغییر مسیر سیاست خارجی پاکستان

حالا ارتش پاکستان با انهدام پهباد ایرانی و افشای آن به رسانه‌ها با ادبیاتی مانند «پهباد جاسوسی» و «در عمق خاک پاکستان»، از ایران انتقام گرفته است. اما ارتباط میان این دو رویداد، تحلیل را وارد سطح دیگری خواهند ساخت. در واقع پاکستان یکی از پرشمار کشورهای خاورمیانه است که به دلیل ساخت دولت خود، سیاست خارجی خود را با هدف‌های مرتبط با سیاست داخلی خود درگیر کرده و از آن‌ها استفاده می‌کند. در مورد اخیر، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که این رویدادها که به روشنی هماهنگ شده و در زمان مناسب و توسط یک نهاد واحد اتفاق افتادند، بخشی از یک برنامه بزرگتر برای جهت‌دهی افکار عمومی داخل پاکستان بودند.

در جریان اجلاس ماه گذشته آمریکا با کشورهای عربی-اسلامی در ریاض، نواز شریف در داخل مورد اعتراض‌های زیادی قرار گرفت. جهت‌گیری اصلی اعتراض‌ها ناظر بر این بود که پاکستان در دوران او با نزدیک شدن به عربستان از سیاست سنتی خود که دوسال پیش توسط پارلمان پاکستان تصویب و لازم‌الاجرا شده بود، عدول کرده و در رقابت بین دو کشور اسلامی به سود یکی وارد عمل شده است. در جریان این اعتراضات، در افکار عمومی این کشور، ایران کشور دوست و برادر و پدر معنوی جمعیت حدود ۲۰ میلیونی شیعه کشور برشمرده و گناه را از جانب دولت پاکستان دانستند که سیاست خارجی را به بیراهه برده است. در چنین وضعیتی، تلاش شد ایران که با تنش‌های مرزی پتانسیل لازم را برای هدف واقع شدن توسط پاکستان کسب کرده بود، به عنوان مقصر و نه قربانی، معرفی شود و افکار عمومی داخل برای رفتار احتمالی بر ضد ایران آماده شود.

شهر زاهدان ایران با او برای عملیات خرابکاری در بلوچستان همکاری می‌کرد.

فروش اعتراف‌های یک اسیر زندانی، که بنا به ادعای رسانه‌های هندی مورد شکنجه هم قرار داشته است، کار آسانی نیست. با این حال، پاکستانی‌ها این مسئله را بسیار جدی تلقی کرده‌اند و طی یک سال اخیر و اکنون یک بار دیگر، همواره آن را به عنوان یک اهرم فشار علیه ایران به کار گرفته‌اند. در سفر آقای روحانی به اسلام آباد در سال ۱۳۹۵، واکنش پاکستان به این اتهام بسیار سرد و خشن بود و فرمانده ارتش پاکستان، رحیل شریف، با وجود اینکه استقبال بسیار خوبی از آقای روحانی کرده بود نه تنها در دیدار دوجانبه این موضوع را پیش کشیده بود، بلکه صحبت در مورد این موضوع را به رسانه‌ها نیز کشاند. با این پیش زمینه، پخش ویدئوی دومی از «یاداو» بعد از یک سال و اندی و آن‌هم در حالی که پیشتر، او محکوم به مرگ شده بود و تنها چند هفته پیش، حکم او به حبس ابد تغییر یافت، بیشتر رو سوی ایران دارد؛ به ویژه وقتی که آن را در بافتار دیگر رویدادهای مرتبط قرار می‌دهیم.

مورد اول به وضوح مرتبط با اختلاف نظر ایران و پاکستان بر سر کنترل مرز بین دو کشور است. تفسیر سراسرتر این رویداد این است که گروه تروریستی جیش العدل از داخل پاکستان در مرز میرجاوه عملیات انجام داده و پس از کشتن مرزبانان ایرانی به خاک پاکستان گریخت، ایران پاکستان را به کوتاهی در کنترل مرزها متهم کرده و اعلام نمود برای حفظ امنیت خود اگر لازم باشد در خاک پاکستان هم عملیات انجام خواهد داد، طی هفته‌های بعد نیروهای ایرانی چند بار به داخل خاک پاکستان خمپاره شلیک کردند که در نتیجه آن‌ها یک پاکستانی کشته شد،



۳ فرضیه‌ای در باب تغییر مسیر سیاست خارجی پاکستان

در همین رابطه می‌توان ارتباط میان این اقدامات و دو رویداد دیگر را نیز مورد بررسی قرار داد: خبر سرنگونی پهباد ایران در ۲۱ ژوئن و سه روز پس از حمله موشکی ایران به سوریه صورت گرفته و ویدئوی «یاداو» نیز در ۲۳ ژوئن، دو روز پس از آن و نیز پس از خبر انتصاب محمدبن‌سلمان به عنوان ولیعهد جدید در عربستان سعودی پخش شد.

در حال حاضر هنوز قطعه‌های مهمی از این پازل کامل نشده است و نمی‌توان با دقت بالایی این رویدادها را تفسیر کرد؛ با این حال الگوی رفتاری پاکستان، بافتار رویدادهای دو سال اخیر، همزمانی احتمالاً معنادار رویدادهای مورد بحث در بالا و ضرورت کنش‌گری بازیگران منطقه‌ای به ویژه عربستان سعودی و تضمین جایگاه محمد بن سلمان به عنوان پادشاه آینده عربستان سعودی، مجموعه قطعاتی هستند که می‌توان با اتکاء به آن‌ها یک فرضیه خطرناک را مورد توجه قرار داد: پاکستان در مسیری حرکت می‌کند که منجر به بازتعریف سیاست خارجی این کشور بر محور قرابت بیشتر با عربستان سعودی خواهد شد.

